83

14th–15th C

Fragments
of Koran
14th (?) Cent

Leaves from the Koran.

41 folios. Arabic with Persian interlineation in smaller characters.

14th century

Gold sura heads.

Fragmentary, but with text on each page complete in most cases. Loose in a leather cover of the 18th (?) century. A fine specimen of early calligraphy.

الشهادة ومن يكتمها فانه اثم قلبه والله

گواه را و هر که پنهان دارد او گنه کارست دل او خدای

بما تعملون عليم لله ما في السموات وما في

بدانچه می کنید داناست خدایراست آنچه اندر آسمانهاست و آنچه اندر

الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم

زمین است اگر پیدا کنید آنچه اندر تنهاء شماست یا پنهان دارید شمار کند با شما

به الله فيغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء والله

بدان خدای بیامرزد آن را که خواهد و عذاب کند آن را که خواهد خدای

على كل شيء قدير امن الرسول بما انزل اليه

بر هر چیزی تواناست گرویده پیغامبر بدانچه فرستاده شد سوی او

من ربه والمؤمنون كل امن بالله وملئكته

از پروردگار او و همه مومنان هر همه گرویدند بخدای و فریشتگان

وكتبه ورسله لا نفرق بين احد من رسله

و کتابها و پیغامبران او فرق نکنیم میان هیچ از پیغامبران او

وقالوا سمعنا واطعنا غفرانك ربنا واليك

و گفتند بشنیدیم و فرمان بردیم آمرزش تو ای پروردگار ما و سوی تو

المصير ۝ لا يكلف الله نفسا الا وسعها لها

ما كسبت وعليها ما اكتسبت ربنا لا تؤاخذنا

ان نسينا او اخطانا ربنا ولا تحمل علينا اصرا

كما حملته على الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا

ما لا طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا

انت مولىنا فانصرنا على القوم الكفرين ۝

سورة التي يذكر فيها آل عمران مدنية وهي مائتا آية

بسم الله الرحمن الرحيم

مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ

از خبر عیسی بگو بیایید تا ما بخوانیم فرزندان ما و فرزندان شما

وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ

و ما زنان بیاریم و شما زنان بیارید و ما خویش خود بیرون آییم و ما خویش بیرون آییم بس دعا کنیم

فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ إِنَّ هَذَا لَهُوَ

و بگوییم لعنت خدای بر آن کی بر عیسی دروغ گفت این که یاد کرده شد

الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ

قصهاء درست و نیست هیچ خدای مگر الله و بگی خدای اوست

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ

عزیز است حکیم و اگر روی بگردانند بدانک خدای داناست

بِالْمُفْسِدِينَ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ

بتباه کاران بگو یا محمد مر اهل جهودان را بگی بیایید سوی

سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ

سخن داد و عدل میان ما و میان شما بگی نپرستیم چیزی مگر خدای را و نکیوییم انباز

بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ

بدو چیزی و نگیریم بعضی دیگر را باشند خدایی از فرود

صلوة العشا

من شر حاسد اذا حسد ٥

بسم الله الرحمن الرحيم

اللّٰه فَإِن تَوَلَّوا فَقُولُوا اشهَدُوا بِأَنّا مُسلِمُونَ

خدای را پس اگر برگردند از تو چه بگویید ایشانرا گواه باشید بدرستی که ما مسلمانانیم

يَا أَهلَ الكِتَٰبِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبرَٰهِيمَ وَمَا أُنزِلَت

ای جهودان و ترسایان چرا همی دعوی کنید اندر دین ابراهیم ونه فرستاده شد

التَّورَىٰةُ وَالإِنجِيلُ إِلّا مِن بَعدِهِ أَفَلا تَعقِلُونَ

توریت وانجیل مگر از پس او انیست خرد ندارن

هَٰأَنتُم هَٰؤُلاءِ حَٰجَجتُم فِيمَا لَكُم بِهِ عِلمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ

ای شما که جهود اید و ترسا اید همی خصومت کنید اندر آن چیزی هست شمارا بدان چرا خصومت کنید

فِيمَا لَيسَ لَكُم بِهِ عِلمٌ وَاللّٰهُ يَعلَمُ وَأَنتُم لا تَعلَمُونَ

اندر آن که نیست شمارا بدان دانش خدای داند و شما ندانید

مَا كَانَ إِبرَٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلا نَصرَانِيًّا وَلَٰكِن كَانَ

نبود ابراهیم جهود ونه ترسا ولیکن بود

حَنِيفًا مُسلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ المُشرِكِينَ إِنَّ أَولَى

باخیز مسلمان ونبود از انباز گیران سزاوارترین

النَّاسِ بِإِبرَٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ

مردمان بدین ابراهیم آنکسانند که اندر زمانه او بودند و این پیغامبر و آنکسان

آيات

قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم عليك

گردیم قصه ایشان پیش ازین و بعضی را نکردیم قصه ایشان بر تو

وكلم الله موسى تكليما رسلا مبشرين ومنذرين لئلا

وسخن گفت خدای با موسی سخن گفتنی پیغامبران مژده دهندگان به بهشت و ترسانندگان از دوزخ تا نباشد

يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله

مردمانرا بر خدای حجتی پس ازانکه پیغامبران آمده باشند وهست خدای

عزيزا حكيما لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله

عزیز واستوار کار لیکن خدای همی گواهی داد بدانچه فرو فرستاد سوی تو فرو فرستاد او

بعلمه والملائكة يشهدون وكفى بالله شهيدا إن

بعلم خود و فرشتگان گواهی همی دهند و بسنده است خدای گواه که

الذين كفروا وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا

آنانکه کافر شدند و بازداشتند از راه خدای ایشان گمراه شدند گمراه شدنی

بعيدا إن الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر

از حق دور همانا آنکسها که کافر شدند وستم کردند نه خواهد خدای که آمرزد

لهم ولا ليهديهم طريقا إلا طريق جهنم خالدين فيها

ایشانرا و نه نماید ایشانرا راهی مگر راه دوزخ جاودانه باشند اندر آنجا

ابدا و تقدیر ... برایشان یعنی شقی اند از قدیم ایشانرا راه نماید مگر راه دوزخ ...

ابدا وكان ذلك على الله يسيرا يا ايها الناس قد جاءكم

همیشه وهست آن بر خدای آسان ای مردمان بدرستی که آمد بشما

الرسول بالحق من ربكم فامنوا خيرا لكم وان تكفروا

پیغامبر یعنی محمد براستی از خدای شما بگروید که بهتر باشد شمارا و اگر کافر شوید

فان لله ما في السموات والارض وكان الله عليما

مر خدای راست آنچه در آسمانهاست و زمین است وهست خدای دانا

حكيما يا اهل الكتاب لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا

و استوارکار ای شما اهل کتاب از حد مگذرید اندر دین خویش و مگویید

على الله الا الحق انما المسيح عيسى بن مريم رسول الله

بر خدای مگر راستی مسیح عیسی پسر مریم پیغامبر خدای است

وكلمته القيها الى مريم وروح منه فامنوا بالله

و سخن وی فرستاد آن را بمریم و جان از او بگروید بخدای

ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا خيرا لكم انما الله

و به رسولان او و مگویید سه است باز ایستید از این گفتار بهتر شمارا که خدای

اله واحد سبحانه ان يكون له ولد له ما في السموات

خدای است یکی پاکست او از آنکه باشد اورا فرزند اوراست آنچه در آسمانهاست

جهنم وساءت مصيرا إن الله لا يغفر أن يشرك

به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله

فقد ضل ضلالا بعيدا إن يدعون من دونه إلا إناثا

وإن يدعون إلا شيطانا مريدا لعنه الله وقال

لأتخذن من عبادك نصيبا مفروضا ولأضلنهم

ولأمنينهم ولآمرنهم فليبتكن آذان الأنعام

ولآمرنهم فليغيرن خلق الله ومن يتخذ الشيطان

وليا من دون الله فقد خسر خسرانا مبينا

يعدهم ويمنيهم وما يعدهم الشيطن الا غرورا

وعده كند ايشانرا حجي بهشت و آرزو دهد ونكند وعده ايشانرا ابليس مگر فريفتگي

اوليك ماويهم جهنم ولا يجدون عنها محيصا

ايشان آنند جايگاه ايشان دوزخست ونيابند ازان هيچ گريزگاهي

والذين امنوا وعملوا الصلحت سندخلهم جنت

وآنكسها كي بگرويدند وكردند نيكيها زود اندر آريم ايشانرا بوستانها

تجري من تحتها الانهر خلدين فيها ابدا وعد

ميرود از زير درختان آن جويها جاودانه باشند اندر آنجا هميشه وعدهٔ

الله حقا ومن اصدق من الله قيلا ليس بامانيكم

خداي حقست وكيست بوعده راست تر از خداي راستگوي تر نيست چنانك شما آرزو ميبريد

ولا اماني اهل الكتب من يعمل سوءا يجزبه ولا يجد

ونه چنانك آرزو كنند مردمان كتاب هركه كند بدي پاداش دهند او را وبا او نيابد

له من دون الله وليا ولا نصيرا ومن يعمل من

او را از فرود خداي يادي ونه يياري كننده وهركه كند از

الصلحت من ذكر او انثى وهو مؤمن فاوليك

نيكيها از نر يا ماده و او گرويده بود ايشان آنند

الم الله لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك
الكتب بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل التورية
والانجيل من قبل هدى للناس وانزل الفرقان
ان الذين كفروا بايت الله لهم عذاب شديد والله
عزيز ذو انتقام ان الله لا يخفى عليه شيء في
الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام
كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم هو الذي
انزل عليك الكتب منه ايت محكمت هن ام

الكتب وأخر متشابهات فأما الذين في قلوبهم

اصل کتابها خدا ایست ودیگر ایهاست متشابه اما آنکسها که اندر دلهاء ایشان

زيغ فيتبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنة وابتغاء

میل است ایشان متابع از متشابه هستند ازوهم جستن فتنه را تا یاد اندر کی بها

تأويله وما يعلم تأويله إلا الله والراسخون في العلم

این آمد خبر بود ونه داند کس تأویل آن مگر خدای آنکسان که علم تمام دارند یعنی عبد الله السلام

يقولون آمنا به كل من عند ربنا وما يذكر إلا أولوا

گفتند ایشان بگرویدیم ما بهمه قرآن که همه از نزد خدا ایست ونگیرد پند کسی مگر خداوندان

الألباب ربنا لا تزغ قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب

خرد بار خدای ما مگردان دلهاء ما را از دین پس از آنکه راه نمودی ما را وببخش

لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب ربنا إنك

ما را از نزد تو آمرزش تو گنجوی تو بخشنده ای خدای ما تو

جامع الناس ليوم لا ريب فيه إن الله لا يخلف

گرد کننده مردمانرا از روز کی نیست شک درآن که خدای نکند خلاف

الميعاد إن الذين كفروا لن تغني عنهم أموالهم ولا

وعده آنکه ایشان کافر شدند بس دارد سود ایشان را خواستهاء ایشان ونه

الكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِيٓ اِلَى اللّٰهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ
کفر گفت کیست که مرا نصرت کند بر دشمنان خدای گفتند حواریان

نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاشْهَدْ بِاَنَّا
که ما نصرت کنیم خدای را بگرویدیم بخدای و تو گواه باش بر ما که

مُسْلِمُونَ رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ
مسلمانانیم بر حق بار خدایا بگرویدیم ما بدانچه فرو فرستاد و فرمان بردار عیسی بودیم

فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللّٰهُ
و بنویس ما را با آنکسها که گواهی دادند و ایشان مکر کردند و از مکر باز کرد ایشان خدای

وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ اِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسٰى
و خدای قویتر خواست ایشان هلاک کند چون گفت خدای یا عیسی

اِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ اِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ
که من برخواهم داشت و برآرم سوی آسمان و برهانم ترا از این

كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا
کافران را باشند عذاب و ... کسها که فرمان بردار بودند زبر دست کافران نخست

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
تا روز قیامت پس سوی منست بازگشت شما و حکم کند میان شما میان شما

فيما كنتم فيه تختلفون فاما الذين كفروا
اندران بودید که اندر آن خلاف باشد همیشه اما انان که کافر اند
فاعذبهم عذابا شديدا في الدنيا والاخرة وما لهم
ایشانرا عذاب کنم عذابی سخت اندرین جهان واندران جهان ونباشد ایشانرا
من ناصرين واما الذين امنوا وعملوا الصالحات
هیچ یاری کننده نباشد واما انکسها که بگرویدند وکردند نیکیها
فيوفيهم اجورهم والله لا يحب الظالمين ذلك
بدهد ایشانرا پاداش ایشان وخدای دوست ندارد ستمکارانرا این که
نتلوه عليك من الايات والذكر الحكيم ان
خوانیم برتو صریح بود از نشانهاست وقرانست استواری از خدای که درست
از اول واخیر
مثل عيسى عند الله كمثل ادم خلقه من تراب
مثل عیسی نزد خدایست چون مثل آدمست بیافرید اورا از خاک
ثم قال له كن فيكون الحق من ربك فلا تكن
پس گفت اورا باش بباشد این خبر حقست از پروردگار تو تا نباشی
من الممترين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك
از گمان بران هرکه با تو خصومت کند اندر عیسی از پس آن که بیامد بتو

وتصريف الرياح والسحاب المسخر بين

واندر گردانیدن بادها ی وابر است فرمان بردار میان

السماء والارض لايات لقوم يعقلون ومن

آسمان است وزمین است این همه نشانهاست مر گروهی را که خرد دارند ایشان واز

الناس من يتخذ من دون الله اندادا يحبونهم

مردمان کسی است که گیرد از فرود خدای

كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله ولو

چون دوستی خدای را وآنکسها که مومنانند سخت تر از دوستی دارند خدای را واگر

يرى الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة

ببینند آنکسها که بر خود ستم کردند چون ببینند عذاب را که قوی

لله جميعا وان الله شديد العذاب اذ

مر خدایراست همه وخدای سخت عذابست چون

تبرا الذين اتبعوا من الذين اتبعوا وراوا

بیزار گردند آنکسها که از آنکسها که فرمان بردار بودند وببینند

العذاب وتقطعت بهم الاسباب وقال

سخت بریده گردد ازیشان سببهای خلق

بين اتبعوا لو ان لنا كرة فنتبرا منهم كما تبرو

انکسها است که همتران بودند از دیگر راه مارا باز گشتن بودی بیزار شوی از ایشان همچنانکه بیزار

منا كذلك يريهم الله اعمالهم حسرات عليهم

از ما همچنین نمایدا ایشانرا خدای کارها ایشان حسرت شود بر ایشان

وما هم بخارجين من النار يا ايها الناس كلوا

و نه ایشان هرگز بیرون از آتش دوزخ است ای مردمان بخورید

مما في الارض حلالا طيبا ولا تتبعوا خطوات

از آنچ اندر زمین است حلال و پاک و مباشید شما هیچ فرمان بردار است

الشيطان انه لكم عدو مبين انما يامركم

دیو رجیم که او هست مر شما را دشمن پیدا است از پراکه فرماید بو شما را

بالسوء والفحشاء وان تقولوا على الله ما لا تعلمون

بزه کارها و بیشترها است و معصیتها است تا از گویید بر خدای آنچه نه دانید

واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع

و چون گویند ایشانرا که متابعت باشید آنچ فروفرستاد خدای گویند آری فرمان بردار باشیم

ما الفينا عليه اباءنا او لو كان اباؤهم لا يعقلون

که یافتیم بر آن پدران خویش را و هم چون ایشان بودند پدران ایشان که ... خرد

الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ

کوهها را خانه یاد کنید نعمت خدا را و مکنید اندر زمین

مُفْسِدِينَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ

فساد کردند گفتند مهتران ایشان که مستکبر بودند از قوم خویش مر آن

اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ

ضعیفان را که گرویده بودند از ایشان که می دانید که صالح فرستاده

مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ

از خدا است گفتند ما بدانچه فرستاده شد بدان مقریم بر فعل ایشان گفتند آنکسها

اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَعَقَرُوا

که مستکبر بودند ما بدانکه گرویده اید شما کافرانیم ایشان پی کشتند

النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا

ناقه صالح را و بیرون آمدند از فرمان خدای و گفتند یا صالح بیار بر ما

بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ

بدانچه وعده کردی ما را اگر هستی از پیغامبران فرستاده بگرفت ایشان را عذاب

فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ

بامدادان اندر خانهای خویش سوخته شده بودند اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم

لقد ابلغتكم رسالة ربي ونصحت لكم ولكن لا تحبون

هر اینه برسانیدم بشما پیغام خدای ومن نصیحت کردم شما را ولیکن شما ندارید دوست

الناصحين ولوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة

نصیحت را زیراک دل شما ولوط چون گفت مر قوم خویش را می کنید لواطت

ما سبقكم بها من احد من العالمين انكم لتاتون

در کفر است بپیش از شما این چنین کار کسی از جهانیان وشما همی کرد آمدید با مردان

الرجال شهوة من دون النساء بل انتم قوم مسرفون

وبرانید شهوت از دون زنان بل که شما هستید مردمان جاهلان

وما كان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قريتكم

ونه بود جواب قوم او را مگر که گفتند بیرون کنید آل لوط را از شهر خویشتن

انهم اناس يتطهرون فانجيناه واهله الا امراته

که ایشان مردمانی اند پاک از لواط وما برهانیدیم لوط را ودختران او را مگر زن او

كانت من الغابرين وامطرنا عليهم مطرا فانظر

که او بود از ماندگان وبر ایشان باریدیم برلوطیان باران از سنگ بنگر

كيف كان عاقبة المجرمين والى مدين اخاهم

چگونه بود سرانجام گناهکاران وبفرستادیم سوی مدین قرابت ایشان

شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ

شعیب را گفت ای مردمان بپرستید خدای را نیست شما را خدای جز او

قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا

هر آینه آمد بشما حجتی از خدای شما تمام دهید پیمانه و ترازو و مکنید کمی

تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ

و زیان مکنید بر خود و مردمان را اندر مالهاشان زیان کار و مکنید فساد اندر زمین از پس

إِصْلَاحِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَلَا تَقْعُدُوا

بصلاح آوردن این این بصلاح آوردن بهتر شمار اگر هستید شما گرویدگان و مه نشینید

بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ مَنْ

بهر راهی ترسانید مردمان را و باز دارید از دین خدای آنکس

آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ

که گروید و همی جویید راه کژ و یاد کنید اندر که بودید شما اندک بسیار کرد شما را

وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ وَإِنْ كَانَ

و بنگرید که چگونه بود سرانجام تباه کاران را و اگر بوده

طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَطَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا

گروهی از شما بگرویدند بدانچه فرستاده شدم و گروهی نگرویدند

فاصبروا حتى يحكم الله بيننا وهو خير الحاكمين

صبر کنید تا حکم کند خدای میان ما و اوست بهتر حکم کنندگان

قال الملأ الذين استكبروا من قومه لنخرجنك

گفتند مهتران آنان که گردن کشی کردند از قوم او که بیرون کنیم ترا

يا شعيب والذين آمنوا معك من قريتنا أو لتعودن في

ای شعیب و آنکسها را که بگرویدند با تو از شهر ما یا باز گردید اندر

ملتنا قال أولو كنا كارهين قد افترينا على الله

دین ما گفت شعیب هم چند هستیم ما با کراه که هر آینه دروغ گفتند بر خدای

كذبا إن عدنا في ملتكم بعد إذ نجانا الله منها وما

دروغ اگر باز گردیم اندر دین شما از پس آنک برهانید مارا خدای از آنجا و

يكون لنا أن نعود فيها إلا أن يشاء الله ربنا وسع ربنا

سزد مارا که باز گردیم اندر آنجا مگر که خواهد خدای خدای ما فراخ است خدای

كل شيء علما على الله توكلنا ربنا افتح بيننا وبين قومنا

همه چیزها از روی دانش بر خدای توکل کردیم ای خدای حکم کن میان ما و میان قوم ما

بالحق وأنت خير الفاتحين وقال الملأ الذين كفروا

براستی و تو بهتر حکم کنندگان و گفتند مهتران آنکسانی که کافر شدند

رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ

کار ایشان که من ضایع نکنم کار کرده نیکو از شما را است از نر یا ماده بهری از شما

مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي

از بهری منشما آنکسان هجرت کردند و بیرون کرده شدند از خانها خویش و رنج نموده شدند در

سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ

طاعت من و کارزار کردند و کشته شدند هرآینه بپوشانم از ایشان بدیها ایشان و هرآینه اندر آورم ایشان را

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ

بوستانها که می رود از زیران جویها بادافنی از نزدیک خدای و خدای

عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي

نزدیک اوست نیکو بادافش دهد نافریبند ترا کافران گردیدن کردن از کافران اندر

الْبِلَادِ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ لَكِنِ

شهرها منفعت اندکی است اندرین جهان اندکست پس جایگاه ایشان دوزخ است و بد است آن جایگاه و لیکن

الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

آنکسها که بپرهیزند پروردگار خویش ایشان راست بوستانها که می رود از زیران جویها است

خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ

جاودانه اندر آن بهشت باشند از نزدیک خدای وآنچه نزدیک خدای بهتر است نیکوکاران را

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَـٰبِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ

و از اهل کتابهاست کسی که بگرود بخدای و بانچه فرستاده

إِلَيْكُمْ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَـٰشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ

سوی شما و بانچه فرود امد سوی ایشان ترسکار باشند مر خدای را نخرند

بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَـٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ

بنشانها خدای بهای اندک ایشان اند ایشانراست مزد ایشان نزدیک

رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

خدای شان که خدای زود شمارست ای انکسان که بگرویدید

اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

شکیبایی کنید و شکیبایی فرمایید مسلمانان را و دلیر باشید با دشمنان و بترسید از خدای تا شما

تُفْلِحُونَ

السورة التي يذكر فيها النساء آيتها ستة وسبعون ...

رستگار شوید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَـٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُم مِّن

ای مردمان بترسید از پروردگار شما از خدای که بیافرید شمارا از

نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا

از یک تن یعنی آدم وبیافرید از تن او جفت یعنی حوا وبیراکند ازان دو تن

رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ

مردانی بسیار وزنان بسیار وبترسید از خدای ان خدای که ازو خواهید

بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا وَآتُوا

حاجتها ورحمها بپیوندید که خدای هست بر شما نگاه بان وبدهید

الْيَتَامَى أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ

مال یتیمان چون بزرک شود ایشان را وبدل مکنید یعنی مبدلیرا نا پاك با پاك

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا

ومخورید مالها الیتامی را بتخلیط با مالهای شما که آن هست گناهان

كَبِيرًا وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا

بزرگ است واگر بترسید که نتوانید داد کردن اندر یتیمان بزنی کنید

مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ

انچ خوش اید مر شما را از زنان دو زن وسه زن وچهار زن

خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

بترسید که داد نتوانید داد یک زن بسنده کنید یا کنیزکی پادشاه شد

ذلك ادنى الا تعولوا واتوا النسا صدقتهن

آن از نزدیکتر ... وبدهید زنان را کابینهاء ایشان

نحلة فان طبن لكم عن شيء منه نفسا فكلوه

عطا ببسیت اگر بخشند شمارا از چیزی [illegible] از شما را بخورید

هنيئا مريئا ولا تؤتوا السفهاء اموالكم التي جعل

نوش وگوارا ومدهید ابلهان ونادانان خواستهاء شما که کرد

الله لكم قيما وارزقوهم فيها واكسوهم

خدای معیشت شما وروزی دهید ایشان را ازان دران ازخوردنی ایشان ووجامه

وقولوا لهم قولا معروفا وابتلوا اليتمى حتى

وبگویید ایشان را گفتار ونیکو باشد وازموده کنید خردان یتیمان تا

اذا بلغوا النكاح فان انستم منهم رشدا

چون برسد دختران اگر ببینید ازیشان هوش وخرد

فادفعوا اليهم اموالهم ولا تاكلوها اسرافا

ایشان را دهید ازخواسته ایشان ونه خورید خواسته هیچ کس بیشمار باسراف

وبدارا ان يكبروا ومن كان غنيا فليستعفف

[illegible] بزرگ شود وهرکه باشد بی نیاز ازخواسته بیتیم

قَالُوا لَا تَخَفْ اِنَّا اُرْسِلْنَا اِلَى قَوْمِ لُوطٍ وَامْرَاَتُهُ

گفتند مترس ای ابراهیم که ما فرستاده ایم زی گروه لوط را با شد وزن او ساره

قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِاِسْحٰقَ وَمِنْ وَرَاءِ

ایستاده بود خندید و عجب داشت مژده دادیم ما ساره را بفرزندی اسحق

اِسْحٰقَ يَعْقُوبَ قَالَتْ يَاوَيْلَتَى ءَاَلِدُ وَاَنَا عَجُوزٌ

اسحاق بنبسه یعقوب گفت ساره ای وای منا از بزایم ومن زال پیر شده ام

وَهٰذَا بَعْلِي شَيْخًا اِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ قَالُوا اَتَعْجَبِينَ

واین شوی من پیر است ادین این چیزی عجیب است گفتند که شگفت دارید

مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ رَحْمَتُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ

از کار خدای رحمت خدای وبرکت او بر شما باد ای اهل

الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ اِبْرٰهِيمَ

خانه که خدای ستوده است و مجید چون برفت از ابراهیم

الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ اِنَّ

ترس و بیامد او را بشارت مناظره کرد با ما در قوم لوط

اِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ اَوَّاهٌ مُنِيبٌ يَا اِبْرٰهِيمُ اَعْرِضْ عَنْ

ابراهیم بردبار بود دعاکن بسیار ای ابراهیم روی گردان از

هذا انه قد جاء امر ربك وانهم اتيهم عذاب غير

ازین | کار خود | امد فرمان خدای تو | واری ایشان اینده است بایشان | عذابی | جز

مردود ولما جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق بهم

باز کرد انیده | وچون بیامدند | فرشتکان ما | نسزد لوط | کرشد | وتنک شد بایشان

ذرعا وقال هذا يوم عصيب وجاءه قومه يهرعون

دل | وکفت | این | روز سخت | بیچاره | وبیامد | زی او | قوم او | می شتافتند

اليه ومن قبل كانوا يعملون السيئات قال يا قوم

زی او | واز پیش | بودند | که می کردند | بدیها ایشان | کفت لوط | ای قوم من

هؤلاء بناتي هن اطهر لكم فاتقوا الله ولا تخزون في

این کروه | دختران منند | ایشان | پاکترند | از شما | بترسید | از خدای | وشرم زده مکنید مرا | در

ضيفي اليس منكم رجل رشيد قالوا لقد علمت

پیش مهمانان من | نیست | از شما | مردی | کفتند | هر اینه | دانستی

ما لنا في بناتك من حق وانك لتعلم ما نريد قال لو

نیست مارا | در دختران | هیچ حاجتی | وای تو | بدانی | انچه خواهیم | کفت لوط | اکر

ان لي بكم قوة او اوي الى ركن شديد قالوا يا لوط

مرا | بشما | قوتی استی | یا بازایمی | زی رکنی | استوار | کفتند | ای لوط

مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ

تکیه گاهها و بداد هر یکی را از ایشان کاردی و گفت زلیخا ای یوسف بیرون آی

عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ

بر ایشان چون بدیدند زنان یوسف را بزرگ داشتند اورا و ببریدند دستها خود و گفتند

حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ قَالَتْ

حاش لله نیست این آدمی نیست این مگر فریشته گرامی گفت زلیخا

فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ

ای زنان اینست آنکه ملامت کردید مرا در وی و هر آینه خواستم اورا از تن او خودرا

فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا

باز داشت و اگر نه کند آنچ می فرمایم اورا هر آینه بزندان کرده شود و خوار باشد

مِنَ الصَّاغِرِينَ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي

از خوار کردگان بود او گفت یوسف خدای من زندان دوستتر است بمن از آنچ می خوانند مرا

إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ

بدان و اگر نگردانی از من سازش ایشان میل کردم سوی ایشان و باشم از

الْجَاهِلِينَ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ

نادانان اجابت کرد اورا خدای او بگردانید از وی کید ایشان

إنه هو السميع العليم ثم بدا لهم من بعد ما رأوا

چه اوست خداي شنوا بينا و دانا پس پيدا آمد ايشانرا از پس آنچ ديده بودند

الآيات ليسجننه حتى حين ودخل معه السجن فتيان

نشانها پيدا زندان كنيد اورا تا هنگامي و درآمد بنزديك يوسف زندان دو غلام

قال أحدهما إني أراني أعصر خمرا وقال الآخر إني

گفت يكي از ايشان من دو خواب ديدم همي فشاردم انگور خمر وگفت ديگر من

أراني أحمل فوق رأسي خبزا تأكل الطير منه نبئنا

ديدم همي برداردم زبر سر خود نانى كه خوردي مرغ ازو بياگاهان ما را

بتأويله إنا نراك من المحسنين قال لا يأتيكما

تعبير آن كه ما همي بينيم ترا از نيكوكاران گفت يوسف نيايد بديشما

طعام ترزقانه إلا نبأتكما بتأويله قبل أن يأتيكما

خوردني روزي داده شويد الا آنك خبر كنم شمارا تفسير آن پيش از آنك بيايد بشما

ذلكما مما علمني ربي إني تركت ملة قوم لا يؤمنون

از آنك اوتر از آنست كه بياموخت مرا خداي من كه بگذاشتم دين قومي كه نگرويدند

بالله وهم بالآخرة هم كافرون واتبعت

به خداي و ايشان بدان جهان ايشانند ناگرويدگان و پس روي كردم

آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ

آیتی قرآن یا باز گیریم دیگری بیاریم بهتر از آن یا مانند آن با شد ونه همی

تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ

دانی یا محمد کی خدای بر هر چیزی تواناست اهمی نه دانی یا محمد کی

اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ

خدای راست پادشاهی آسمانها و زمین و هر چه دراندر است و نیست مر شما را

مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ

از هر خدای شما را یاری کننده ونه یا همی خواهید شما که

تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ

بخواهید یعنی از پیغامبر شما همچنانک خواستند از موسی از پیش محمد

وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ

وهر کی بدل کند از شما کفر را بر ایمان گمراه باشد ایشان از راه

السَّبِيلِ وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ

راست دوست داشتند بسیار از اهل کتاب کی باز گردانند شما را

مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ

از پس آن کی گروید ... کافران ... از حسد ... را باشد

مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى

از پس آنک پیدا شد راست ایشان را درگذرید ایشان را ایله کنید و از ایشان اندر گذارید تا

يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بیارد فرمان خدای اندر کار ایشان که خدای بر هر چیزی تواناست

وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ وَمَا تُقَدِّمُوا

و بپای دارید نماز را همیشه و بدهید زکات را همیشه و آنچ از پیش فرستید

لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا

خویشتن را از نیکی یابید آنرا بنزد خدای که خدای بدانچ

تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ

کنید بیناست و گفتند جهودان که اندر نشود بهشت مگر آنک

كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا

باشد جهود یا ترسا اند این آرزوهی کنند ایشان بگو یا محمد بیارید

بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلَى مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ

حجت شما اگر هستید راست گویان آری که آنکس در بهشت شود که خالص دارد

لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ

خدای را و او نیکوکار باشد مر او راست ثواب او نزد پروردگار او و بیم

عليهم ولا هم يحزنون وقالت اليهود ليست

بر ایشان باشد ونه ایشان را اندوه بود هرگز و گفتند جهودان که نیستند

النصرى على شيء وقالت النصرى ليست

ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان که نیستند

اليهود على شيء وهم يتلون الكتب كذلك

جهودان بر چیزی و ایشان می خوانند کتاب را و نیز همچنین گفتند

قال الذين لا يعلمون مثل قولهم فالله يحكم

آنکسها که ندانند همچنانک ایشان گفتند خدای داور ایشان حکم کند

بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه يختلفون

میان ایشان روز رستاخیز باشد اندر آنچه بودند ایشان اندر آن خلاف کنند

ومن اظلم ممن منع مسجد الله ان يذكر

و که بیستمکارتر از آنک بازدارد مسجدها خدای که یاد کنند

فيها اسمه وسعى في خرابها اوليك ما كان

اندران نام خدای و کوشش کند اندر خرابی آن ایشانند نتوانستند

لهم ان يدخلوها الا خايفين لهم في الدنيا

ایشان که اندر آیند مگر ترسان باشند ایشان را اندر دنیا باشد

خزي ولهم في الآخرة عذاب عظيم ولله

عذابی باشد وایشانرا اندر آن جهان عذابی باشد بزرگ است و مر خدایراست

المشرق والمغرب فأينما تولوا فثم وجه الله

آفتاب برآمدن است و آفتاب فروشدن از هر سوی که روی زان سو کنید آنجا قبله

إن الله واسع عليم وقالوا اتخذ الله

خدایست که خدای فراخ کار است دانا و گفتند جهودان که گرفت خدای

ولدا سبحانه بل له ما في السموات والأرض

فرزند پاکست خدای از فرزند نه که او راست آنچ اندر آسمانها است و زمین است

كل له قانتون بديع السموات والأرض وإذا

همه او را باشد فرمان بردار و آفریننده آسمانها است و زمین و چون

قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون وقال

خدای قضا کند فرمان دهد آنچ گوید ایشان اورا بباش بباشد در دم و گفتند

الذين لا يعلمون لولا يكلمنا الله أو تأتينا آية

آنکسها که نه دانستند توحید خدای چه آنکوید سخن با ما خدای یا بیاید بما نشانی

كذلك قال الذين من قبلهم مثل قولهم تشابهت

همچنین گفته بودند آنکسها که از پیش ایشان بودند همچنانکه ایشان ماننده است

الآخرة لمن الصالحين ۝ إذ قال له ربه أسلم

جهان اندر بهشت باشد با نیکمردان چون گفت ابرهیم را خدای او کی بسپار خویشتن را بمن

قال أسلمت لرب العالمين ۝ ووصى بها إبرهيم

گفت سپردم بپروردگار همه خلایق و وصیت کرد بدان ابرهیم را

بنيه ويعقوب يا بني إن الله اصطفى لكم الدين

پسران خویشرا ویعقوب وهمچنین یا پسران من کی خدای برگزید شمارا دین مسلمانی

فلا تموتن إلا وأنتم مسلمون ۝ أم كنتم شهداء

ونمیرید شما مگر کی شما مسلمانی را باشید یا شما گواه بودید حاضر بودید

إذ حضر يعقوب الموت إذ قال لبنيه ما تعبدون

چون فراز آمد یعقوب را مرگ چون گفت پسران خویشرا چه پرستید

من بعدي قالوا نعبد إلهك وإله آبائك إبرهيم

از پس من گفتند کی ما پرستیم خدای ترا و خدای پدران ترا ابرهیم

وإسمعيل وإسحق إلها واحدا ونحن له مسلمون

واسمعیل واسحق خدایرا یکی وما اورا مسلمانیم

تلك أمة قد خلت لها ما كسبت ولكم ما

آن گروهی بودند کی گذشتند ایشانرا است آنچ کردند

كسبتم ولا تسألون عما كانوا يعملون وقالوا كونوا

کردید و شما پرسیده نشوید از آنچه ایشان میکردند گفتند جهودان

هودا او نصارى تهتدوا قل بل ملة ابرهيم حنيفا

ونترسایان گفتند ترسایان باشید تا راه یابید بگو محمد بلکه دین ابرهیم باشید متابع مسلمان بود

وما كان من المشركين قولوا آمنا بالله وما

ونبود از انبازگیران بگویید بگرویدیم ما بخدای و آنچ

انزل الينا وما انزل الى ابرهيم واسمعيل واسحق

فروفرستادیم سوی ما وآنچ فروفرستاد سوی ابرهیم واسماعیل واسحق

ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى وعيسى

ویعقوب وفرزندان یعقوب وآنچ بدادند موسی را توریت وعیسی را انجیل

وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم

وآنچ بدادند پیغامبران را از پروردگار ایشان نکنیم جدا میان کسی از ایشان

ونحن له مسلمون فان آمنوا بمثل ما آمنتم به

وما اورا مسلمانیم اگر بگروند بمثل آنچ شما گرویدید بدان

فقد اهتدوا وان تولوا فانما هم في شقاق فسيكفيكهم

راه یافته باشند واگر برگردند هر آینه ایشان در خلاف اند بسنده بسند ایشان

الله وهو السميع العليم صبغة الله ومن

خدای شنوا است ودانا منابع دین خدای باشد وکیست

احسن من الله صبغة ونحن له عابدون قل

نیکوتر از دین خدای وطاعت او وما اورا پرستندگانیم بگو یا محمد

اتحاجوننا في الله وهو ربنا وربكم ولنا اعمالنا

حجت همی گویند با ما در دین خدای واو خدای ما وخدای شماست وما راست کارهاما

ولكم اعمالكم ونحن له مخلصون ام تقولون ان

وشما راست کارهاشما وما مر خدایرا مخلصانیم یا همی گوئید که

ابرهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط

ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب وفرزندان یعقوب

كانوا هودا او نصارى قل ءانتم اعلم ام الله

که ایشان جهودان بودند یا ترسایان بگو یا محمد که شما داناترید یا خدای

ومن اظلم ممن كتم شهادة عنده من الله وما الله

وکیست ستمکارتر بآنکه بپوشد گواهی که نزدیک او باشد از خدای ونیست خدای

بغافل عما تعملون تلك امة قد خلت لها ما

غافل از آنچه شما همی کنید آن گروهی بودند که گذشتند ایشانراست

جزو الثاني

كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسألون عما
کرده اند و شمارا است انچ کردید و نپرسند از شما از انچ
كانوا يعملون ۞ سيقول السفهاء من الناس
ایشان کردند همی کویند بی خردان از مردمان که چه کردانید
ما ولىهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله
که کردانید ایشان از ان قبله ایشان که بودند بران بکوی یا محمد خدای راست
المشرق والمغرب يهدي من يشاء إلى صراط
آفتاب برآمدن و فرو شدن راه نماید از انکه خواهد سوی راه
مستقيم ۞ وكذلك جعلناكم أمة وسطا
راست و همچنین کردیم شمارا کروهی کزیده
لتكونوا شهداء على الناس ويكون الرسول عليكم
تا باشید کواه بر مردمان و باشد محمد صلی الله علیه وسلم بر شما
شهيدا وما جعلنا القبلة التي كنت عليها إلا
کواه و نکردانیدیم ما از قبله را که بودی تو بران مکر تا
لنعلم من يتبع الرسول ممن ينقلب على عقبيه
بدانیم که کیست متابع رسول را از ان کس که باز شود بر دین خویش

عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمٰنَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمٰنُ وَلٰكِنَّ

اندر پادشاهی سلیمان ونبود کافر سلیمان ولیکن

الشَّيٰطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا

دیوان رانده کافر بودند بیاموختند مردمانرا جادوی ونیامد

أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هٰرُوتَ وَمٰرُوتَ وَمَا

فرود بر دو فریشته گی پادشاه شاهستند ببابل هاروت وماروت ونه

يُعَلِّمٰنِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا

آموزند چیزی مرکسی را تا بگویند که ما فتنه شدستیم تومشو

تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ

کافر باشد آنگاه بیاموزند ازیشان آنچ جدا کنند بدان میان مرد

وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ

وزن نباشد ونتوانند ایشان زیان کردن بدان جادوی هیچ کس را مگر بفرمان

اللّٰه وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ

خدای وبیاموزند آنچ زیان دارد ایشانرا ونه کنند منفعت ایشانرا وهر

عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرٰيهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلٰقٍ

دانند هرآن کی بخرید آن نیست مر ایشانرا اندر بهشت هیچ نصیب

وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

وبد چیزیست که خریدند بدان خویشتن را اگر بدانستندی

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ

و اگر ایشان بگرویدندی و بپرهیزندی از ... ثواب یابند از نزد خدای

خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

از بهتر ایشان را اگر بدانستندی ای شما که مومنانید

لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا

مگویید محمد را گوش دار ما را و لیکن بگویید سوی ما بنگر و بشنوید بجمله

وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

و مر کافران را باشد عذابی سخت دردناک باشد نخواهندی آنکسها که کافر اند

مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ

از اهل کتاب و نه انبازگویان که فرود آید بر شما

مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ

هیچ نیکی از پروردگار شما خدای بگزیند برحمت خود او را

يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَا نَنْسَخْ مِنْ

که خواهد خدای خداوند فضل است بزرگ آنچ منسوخ کنیم

وان كانت لكبيرة الا على الذين هدى الله وما

كان الله ليضيع ايمانكم ان الله بالناس لرءوف

رحيم قد نرى تقلب وجهك في السماء فلنولينك

قبلة ترضيها فول وجهك شطر المسجد الحرام

وحيث ما كنتم فولوا وجوهكم شطره وان الذين

اوتوا الكتب ليعلمون انه الحق من ربهم وما

الله بغافل عما يعملون ولئن اتيت الذين اوتوا

الكتب بكل اية ما تبعوا قبلتك وما انت بتابع

قبلتهم وما بعضهم بتابع قبلة بعض ولئن اتبعت

قبله ایشانرا و نه جهودان متابع قبله یکدیگراند متابع و اگر پیروی کنی یا محمد

أهواءهم من بعد ما جاءك من العلم إنك إذا لمن

قبله ایشان باشی از پس آنکه آمد بتو از دانش تو باشی از

الظالمين ۝ الذين آتيناهم الكتاب يعرفونه كما

ستمکاران باشد آنکسها که دادیم ایشانرا است تورات می شناسند محمد را همچنانکه

يعرفون أبناءهم وإن فريقا منهم ليكتمون الحق

بشناسند پسران خویشرا گروهی از ایشان همی پوشند حق را

وهم يعلمون ۝ الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ۝

و ایشان همی دانند راستی که محمد گفت از خدای تو نگر تا نو باشی از بی گمانان

ولكل وجهة هو موليها فاستبقوا الخيرات

و هر گروهی روی سوی آن می دارند بهوای خویش شتابید بنیکیها و طاعتها

أين ما تكونوا يأت بكم الله جميعا إن الله على

هر جا که باشید فراز آرد ایشانرا شمارا بقیامت خدای همگی که خدای

كل شيء قدير ۝ ومن حيث خرجت فول وجهك

همه چیزی توانا است و از هر جای که بیرون شوی روی سوی کعبه گرداند

ويزدكم قوة الى قوتكم ولا تتولوا مجرمين قالوا

ويفزايد شمارا نيرو زيادت نيروي شما ونه روي گردانيد از گناه كاران باشيد گفتند

ياهود ما جئتنا ببينة وما نحن بتاركي آلهتنا عن قولك

اي هود نياوردي ما را بيداي ونيستيم ما گذارندگان خدايان خود از گفتار تو

وما نحن لك بمؤمنين ان نقول الا اعتريك بعض آلهتنا

ونيستيم ما ترا استوار دارندگان نمي گوييم ما مگر بياورد بتو بدي از معبود از ما

بسوء قال اني اشهد الله واشهدوا اني بريء مما

ديوانه گفت من گواه كيرم خدايرا وشما گواه باشيد كه من بيزارم از انچ شما

تشركون من دونه فكيدوني جميعا ثم لا تنظرون اني

انباز كويد از جز او حيله كنيد با من همه پس درنگ مدهيد مرا من

توكلت على الله ربي وربكم ما من دابة الا هو آخذ

توكل كردم بر خداي كه خداي منست وخداي شما نيست هيچ جنبنده مگر او گرفته شود

بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم فان تولوا فقد

بموي پيشاني آن كه خداي من بر راه راست است اگر روي برگردانيد

ابلغتكم ما ارسلت به اليكم ويستخلف ربي قوما

رسانيدم بشما آنچه فرستادند مرا بدان سوي شما وبيارد خداي

غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا اِنَّ رَبِّي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا

وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِاٰيٰتِ

رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَاُتْبِعُوا

فِي هٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ اَلَا اِنَّ عَادًا كَفَرُوا

رَبَّهُمْ اَلَا بُعْدًا لِعَادٍ قَوْمِ هُودٍ وَاِلَى ثَمُودَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا

قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَيْرُهُ هُوَ اَنْشَاَكُمْ

مِنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ

أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ وَقَالَ الَّذِي

احلام است یعنی آشفته و نیستیم ما بتعبیر خوابها آشفته دانایان وگفت آنکس

نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ

چی نجات یافته بود ازان دو و یاد کرد یوسف پس از سالی چی من بیاگاهانم شمارا بتعبیر آن

فَأَرْسِلُونِ يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ

بفرستید مرا گفت ای یوسف ای صدیق خبر کوی مارا در هفت

بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ

گاو یعنی ماده گاو فربه چی بخورند ایشان‌را هفت گاو لاغر و هفت

سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى

خوشه است سبز درفش و دیگر خشکان مگر کی باز شوم زی

النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ

مردمان تا مگر ایشان بدانند و اقرار کنند گفت یوسف بکارید هفت

سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا

سال پیوسته هرچی بدروید پس بگذارید انرا در خوشهٔ او مگر اندکی

مِمَّا تَأْكُلُونَ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ

ازانچه بخورید پس بیاید از پس آن هفت سال

يأكلن ما قدمتم لهن الا قليلا مما تحصنون ثم

بخورند آنچه پیش کردید ایشان را مگر اندکی از آنچه نگاه دارید پس

يأتي من بعد ذلك عام فيه يغاث الناس وفيه

بیاید از پس آن سالی درو باران باود مردمان را نعمت بسیار باشد و درآن سال

يعصرون وقال الملك ائتوني به فلما جاءه الرسول

شیره کشند از حد برون و گفت ملک را بیارید بمن او را چون بیامد بدو فرستاده

قال ارجع الى ربك فسئله ما بال النسوة التي

گفت باز گرد زی خود بپرس او را چیست حال زنان این مصر از زنان

قطعن ايديهن ان ربي بكيدهن عليم قال ما خطبكن

که ببریدند دستها ایشان که خدای من بمکر ایشان داناست گفت پادشاه مصر چیست کار شما

اذ راودتن يوسف عن نفسه قلن حاش لله ما علمنا

که خواستید یوسف را از تن او گفتند بازداشت خواهم از خدای ندانیم ما

عليه من سوء قالت امرأت العزيز الآن حصحص الحق

بر او هیچ بدی گفت زن عزیز مصر اکنون آشکار است راستی

انا راودته عن نفسه وانه لمن الصادقين ذلك ليعلم

من خواستم او را از تن او و او از راستان است از برای آن تا بداند

فَرِجَالًا اَوْ رُكْبَانًا فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَمَا

پیاده یا برنشسته چون ایمن شوید یاد کنید خدای را چنان

عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ

آموخت شمارا آنچ نه دانستید شما وهرک وآنان که بمیرند از شما

وَيَذَرُونَ اَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِاَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا اِلَى الْحَوْلِ

دست بازدارند زنان وصیت باید کرد زنان خویش را برخوردن تا سال

غَيْرَ اِخْرَاجٍ فَاِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ

بیرون کردن اگر بیرون شوند نیست بزه بر شما اندر آنچ کردند

فِي اَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

اندر تنهای خویش از نیکویی خدای عزیز استوارکار

وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

طلاق شدگان را برخوردن دادنی بنیکویی واجب بر پرهیزکاران

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ اَلَمْ

چنین پیدا کند خدای شمارا آیتها خود تا مگر شما خرد کار بندید آیا

تَرَ اِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ اُلُوفٌ

ننگری بآن کسان که بیرون شدند از سرهای خویش وایشان

الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ

مرگ گفت ایشانرا خدای بمیرید پس زنده کرد ایشانرا که خدای

لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

خداوند نیکوییست بر مردمان ولیکن بیشتر مردمان

لَا يَشْكُرُونَ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا

شکر نکنند خدای را و کارزار کنید اندر راه خدای و بدانید

و فرمان برد رسول را علیه السلام

أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ

که خدای شنواست داناست کیست آنکه وام دهد خدایرا

قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً

وامی نیکو تا بیفزاید دو کند اورا زیادت کردنی بسیار

وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَلَمْ تَرَ

و خدای باز گیرد و بگستراند و سوی او بود بازگشت همه ونه نگریستی

إِلَى الْمَلَإِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ

گروهی از فرزندان یعقوب که از پس موسی بودند چون گفتند مر آن

لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ

پیغمبری را که ایشانرا بود که بفرست ما را پادشاهی تا حرب کنیم اندر طاعت خدای گفت

اجعل على كل جبل منهن جزءا ثم ادعهن يأتينك سعيا

بنه بر هر کوهی ازیشان پاره پس بخوان ایشانرا بیایند سوی تو دوان

واعلم ان الله عزيز حكيم مثل الذين ينفقون

و بدان که خدای عزیزست استوارکار داستان آنکسان کی نفقه کنند

اموالهم في سبيل الله كمثل حبة انبتت سبع

خواستهاء خویش در طاعت خدای چون مثل دانه چی بر زمین افکنند برست هفت

سنابل في كل سنبلة مائة حبة والله يضاعف

خوشه برویید در هر خوشه صد دانه بباشد و خدای بیفزاید بسیار دهد

لمن يشاء والله واسع عليم الذين ينفقون

انرا کی خواهد و خدای فراخ داناست آنان که نفقه کنند

اموالهم في سبيل الله ثم لا يتبعون ما انفقوا منا

خواستهاء خویش را اندر طاعت خدای پس از آن در پی نکنند آنچه نفقه کرده باشند بر انکس منت نهند

ولا اذى لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم

و نیازار ندارند ایشانرا مزد ایشان نزد خدای ایشان و نباشد بیمی بر ایشان

ولا هم يحزنون قول معروف ومغفرة خير

و نه بباشند ایشان اندوهگین ...

مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ يَا أَيُّهَا

از صدقه كه بدهي آزارا بيازاري بس ازان خداي بي‌نيازست واهسته اي

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى

گرويدند باطل مكنيد صدقها خويش را منت نهادن و رنجانيدن همانا

كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ

ماننده اين باشد كه كسي نفقه كند مال خود را روي ديا مردمان و نگرويده باشد بخداي

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ

و بروز رستاخيز مثال اين كس چون مثل سنگ خاره باشد برو نشسته خاك

فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى

ناگاه باراني بيايد وازو سنگ را برهنه كند دست بازدارد وازان نكشوبد هيچ ماننده اين مر ماننده را بر

شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

هيچ نوابد ازانچ كرده باشد خداي ننمايد راه مر گروه كافران را

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ

مثال آنكسان كه نفقه كنند مالها خويش بجويند خشنودي خداي

وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا

و استوار دارند خود ايرا تعالى چون مثل بوستاني است بلند ور است رسيد باران آبد

إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بزه کار داشت صلح کند میان ونیست بزه برو که خدای آمرزنده است وبخشاینده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ

ای شما که گرویدکانید فریضه شد بر شما روزه داشتن هم چنانک فریضه بود

عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ

بر آنکسها که پیش شما بودند تا مگر شما بپرهیزید روزگار شمرده

فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ

اگر چه باشد کسی از شما بیمار یا اندر سفر قضا کند اورا از روزگار

أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ

دیگر و بر آنان که از بیری روزه نتوانند داشت فدیه دهند طعام درویش را

فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ

هر که افزونی کند نیکی از نیکوترست اورا و اگر روزه دارید بهتر بود شما را

إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ

اگر هستید شما که بدانید البته ماه رمضان است فرض است که فرستاد اندرو

الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ

قرآن راه راست مر مردمان را و حجتها از راه راست و فرق ... است

[illegible]

فمن شهد منكم الشهر فليصمه ومن كان

هر كه حاضر آيد از شما ماه رمضان را روزه دارد از ماه وهر كه باشد

مريضا او على سفر فعدة من ايام اخر يريد

بيمار يا اندر سفر شمردن از روزها ديگر خواست

الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا

خداي بشما آساني و نه خواست بشما دشوارى و بر شما تمام كنيد

العدة ولتكبروا الله على ما هديكم ولعلكم

بوقت ديگر داشتن و بزرگي يادكنيد خداي را مر آن كه راه نمود شمارا و تا مگر شما

تشكرون واذا سالك عبادي عني فاني

شكر كنيد شما تا و چون پرسند ترا يا محمد بندگان من از من

قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا

نزديك ام ايمان شما را اجابت كنم دعا خوانندگان چون بخوانند مرا جواب گويند نيز ديگر

لي وليومنوا بي لعلهم يرشدون احل لكم

فرمان مرا و بگرويد بمن تا ايشان راه صواب بيابند حلال كرده شد شما را

ليلة الصيام الرفث الى نسايكم هن لباس

شبهاي ماه رمضان جماع كردن با زنان شما وايشان

فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَالْمَلَئِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى

اندر سایه‌ها از ابر و باران و فریشتگان و کارها بودنی بوده شود و سوی

اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ سَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمْ آتَيْنَاهُمْ

خدای بازگردد کارها بپرس یا محمد بسوال بنی اسرائیل را چند بار دادیم ایشانرا

مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا

از آیتها پیدا و هر که بدل کند این بار خدای را از پس آن که

جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

آمد سوی ایشان که خدای سخت عقوبتست آراسته شدست مر کافران را

الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ

زندگانی این جهان و همی سخره کنند بر آن کسها که بگرویدند و آنان که

اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

پرهیزکارانند و بر ایشان باشند روز رستخیز خدای روزی دهد آنرا که خواهد

بِغَيْرِ حِسَابٍ كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ

بی حساب بودند مردمان گروهی بر یک ملت و بر رحمت و با ایمان و با سازش

اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ

خدای پیغامبران را بشارت دهنده مومنان را و ترساننده کافران را

الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا

کتاب را براستی تا حکم کند میان مردمان اندر انچ اختلاف کردند

فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ اِلَّا الَّذِينَ اُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ

اندرین و نکردند اختلاف کس اندرین مگر انکسانی که بدادیم ایشانرا کتاب از پس

مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللّٰهُ

ازانک امد بدیشان پیدائیها تا کام ایشان ... راه نمود ایشانرا خدای

الَّذِينَ اٰمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ

انکسانی که گرویدند اندرانچ اختلاف کردند اندران از حق بفرمان خدای

وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

خدای راه نماید انرا که خواهد زی راه راست

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَثَلُ

یا پنداشتید که اندر شوید بهشت و نیز بسیار بشما چنانک

الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ

انکسها که بودند از پیش شما که بایشان رسید سختیها و زیانها

وَزُلْزِلُوا حَتّٰى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ

و بجنبانیدند تا گفت پیغامبر و انکسها که گرویده بودند با پیغامبر

الإصلاح ما استطعت وما توفيقي إلا بالله عليه
مگر بصلاح آوردن آنچ خواهم توانست ونیست شایسته کردن من هیچ مگر بخدای برو

توكلت وإليه أنيب ويا قوم لا يجرمنكم شقاقي أن يصيبكم
توکل کردم بر خدای وزی او رجاع میکنم وای قوم گو بر مدارد شمارا خلاف کردن من که برسد بشما

مثل ما أصاب قوم نوح أو قوم هود أو قوم صالح وما قوم
مانند آنچ برسید بقوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح ونیستند قوم

لوط منكم ببعيد واستغفروا ربكم ثم توبوا إليه
لوط است از شما بدوری باشد وآمرزش خواهید از خدای خود پس توبه کنید زی او

پیغمبر بر حق
إن ربي رحيم ودود قالوا يا شعيب ما نفقه كثيرا مما
ای که خدای من بخشاینده است ودوست دارنده گفتند ای شعیب در نمی یابیم بسیاری از آنچ

تقول وإنا لنراك فينا ضعيفا ولولا رهطك لرجمناك
میگویی وما هی بینیم ترا در میان خود ضعیف واگر نه مر ای عشیرت تو بودی سنگسار کردمی ترا

وما أنت علينا بعزيز قال يا قوم أرهطي أعز عليكم
ونیستی تو برما گرامی گفت ای قوم من عشیره من گرامیتر بر شما

من الله واتخذتموه وراءكم ظهريا إن ربي بما تعملون محيط
از خدای است وبرگرفتید اورا پس پشت خود ای خدای من بد

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ

وای قوم کار کنید بر جایگاه خود کی من کار کنندهام زود با

تا پشیمان شوید

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ

کیست کی بیاید بدو عذابی کی هلاک کند اورا وانک کیست دروغ زنست وچشم دارید کی من باشم

رَقِيبٌ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

نگاه بانی وچون بیامد فرمان ما برهانیدیم ما شعیب را وانکسها کی بگرویدند با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي

با او بخشایش از ما وبگرفت انکسان را کی کافر شدند بانگ جبرئیل بود در بامداد شدند در

دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا

خانهای خود خشک مردگان گوی که نبودند در آن ایا دوری باد اهل مدین را چنانک

بَعِدَتْ ثَمُودُ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ

هلاک شدند ثمودیان وهر اینه فرستادیم ما موسی را با نشانهای خود وحجت پیدایی

إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ

بر فرعون ... او پیروی کردند کار فرعون را ونیست کار فرعون

بِرَشِيدٍ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ

براستی پیش آید قوم او روز قیامت دراید کی ایشان را ... آتش

وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا

وحي كرديم ما ذي يوسف كي همي آگاه كني ايشانرا بكردار ايشان اين وايشان

يَشْعُرُونَ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ قَالُوا يَا أَبَانَا

ظني بردند برما وبيامدند نزد پدر ايشان شبانگاهان ميگريستند بگفتند اي پدر ما

إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا

ما بشديم مسابقه ديگر مي بستيم وبگذاشتيم ما يوسف را نزديك كالاي خود

فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا

بخورد اورا گرگ ونيستي تو گرويده مارا واگر هستيم ما

صَادِقِينَ وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ

راست گويندگان وبيامدند بر پيراهن او بخوني دروغ گفت بلكه

سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ

بياراستست شمارا تنهاي شما كاري شكيبايي نيكوست خداي

الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ

ازو ياري خواهند بر آنچه صفت ميكنيد وبيامد كاروانى

فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى

[illegible]

هذا غلام وأسروه بضاعة والله عليم بما يعملون

بدين غلام است نو و پنهان کردند اورا بسیار زکان و خدای دانا است بدانچه می کنند

وشروه بثمن بخس دراهم معدودة وكانوا فيه

و فروختند اورا ببهای اندک درمهای شمرده بعضی بیست و بودند درو

من الزاهدين وقال الذي اشتراه من مصر لامرأته

از بی کامان زیرا که یوسف ... و گفت آنک خرید اورا از مصر مرزن خود را

أكرمي مثواه عسى أن ينفعنا أو نتخذه ولدا

گرامی دار جای بود وی اورا شاید بود که سود کند مارا یا بگیریم اورا بفرزندی

وكذلك مكنا ليوسف في الأرض ولنعلمه من

و هم چنین تمکین دادیم ما مریوسف را در زمین و تا بیاموزیم اورا از

تأويل الأحاديث والله غالب على أمره ولكن

تعبیرها خواب تو و خدای غالب است بر فرموده خود و لیکن

أكثر الناس لا يعلمون ولما بلغ أشده آتيناه

بیشتر مردمان نمی دانند و چون رسید ... بدادیم اورا

حكما وعلما وكذلك نجزي المحسنين وراودته

حکمت و علم و هم چنان پاداش دهیم نیکوکاران را و بخواست اورا

مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَبَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا

پیمان است آنکسان که داده شدند نوشته است آنرا که صفت محمد را مر مردمانرا و نه

تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا

کنند پنهان آنرا بینداختند از پس پشتها خویش صفت محمد را و خریدند جاه و بهای

قَلِيلًا فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ

اندکی بد است آنچه خریدند ثابت داریدها محمد بشنو و ... آنکسان که شادی کنند

بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا

بدانچه کردند و دوست دارند که ستوده شوند بدانچه نکردند مه

تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

مپندار ایشانرا برستگاه از عذاب و ایشانراست عذابی دردناک

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ

و خدایراست پادشاهی آسمانها و زمین است و خدای بر همه

شَيْءٍ قَدِيرٌ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ

چیزی تواناست در آفریدن آسمانها و زمینها و آمد شد

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ

شب و روز نشانهاست مر خداوندان خردها را آنکسان که یاد کنند

قياما وقعودا وعلى جنوبهم ويتفكرون

خدایا ایستادها و نشستها است و بر پهلوها خویش باشند و تفکر می‌کنند

في خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا

اندر آفریدن آسمانها و زمین ای خدای ما نیافریدی تو این را باطل

سبحانك فقنا عذاب النار ربنا انك من تدخل

پاکا خدایا را باشد باز دار از ما عذاب آتش دوزخ ای خدای ما که تو در آری

النار فقد اخزيته وما للظالمين من انصار ربنا اننا

در دوزخ بدرستی خوار کردی او را و نیست مر ستمکاران را هیچ یاری کننده ای پروردگار ما

سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا

بشنیدیم ما خواننده یعنی محمد می خواند سوی ایمان که بگروید بخدای بگرویدیم

ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سياتنا وتوفنا

ای پروردگار ما بیامرز مارا گناهان ما و بپوشان از ما بدیها ما بمیران مارا

مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك ولا تخزنا

با نیکوکاران ای پروردگار ما بده مارا آنچ وعده کردی مارا بر پیغامبران تو و مکن خوار مارا

يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد فاستجاب لهم

روز رستاخیز که تو خلاف نکنی وعده را بحق جواب کرد مر ایشان را

وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ

و درویش باشد گو بخورد از آن در خوبی بی تقدیر نا مال ایشان ... جون بدهید ایشانرا

إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ

خواستهاء ایشان ایشانرا بوقت بلاغت گواه کنید بر ایشان بعدل و بسنده است خدای

حَسِيبًا لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

یاداشن دهنده مردانرا نصیب است از آن خواسته که بگذارند مادر و پدر

وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و خویشاوندان و مر زنانرا نیز نصیب است از آنچه بگذارند فرزند پدر و مادر را

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا

و آنچ خویشاوندان بگذارند اگر چه اندک باشد از آن یا بسیار ایشانرا نصیب فریضه کرده است بر ایشان

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

و چون حاضر آید بقسمت کردند آنکه میراث خوار نباشد و یتیمانرا

وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا

و درویشانرا بیرون چیزی بدهید از آن و نیکو گویید ایشانرا گفتار

مَعْرُوفًا وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ

نیکو باشند که بمانند ... ایشان از پس ایشان

عشر

ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا

فرزندان خرد که ضایع مانند بترسید بر ایشان و بترسید از خدای و بگویید

قَوْلًا سَدِيدًا إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ

گفتار داد اندر وصیت کردن که آنکسها که می خورند خواسته یتیمان بنا حق

ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ

بخور ظلما از حرام که می خورند اندر شکمها ایشان آتش گردد و اندر آرند ایشانرا

سَعِيرًا يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ

گرده باشی اندر دوزخ همی فرماید شمارا خدای اندر میراث فرزندان از شما مر پسر را چند

حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا

دختر میراث باشد اگر کسرا دختر ماند و ماند بیشتر ایشانرا سه بهری

مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ

آنچ بگذاشت بجای و اگر کسی بمیرد و یک دختر ماند اورا نیمه از آن خواسته دختر را رسد و مر مادر و پدر اورا

لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ

هر یکی را از ایشان باشد شش یکی رسد آنچ بگذاشت اگر مرده را

وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ

فرزندی ماند پس اگر نماند فرزند اورا و میراث اورا همه مادر و پدر او برداند سه یکی

واتبعوا النور الذي انزل معه اولئك هم

ومتابعت كردند از روشنايي را كه بفرستادند با اووان فراست ايشانند

المفلحون ۞ قل يايها الناس اني رسول الله

ايشان رستگاران بگو يا محمد اي مردمان من رسول خداي ام بهمه عالميانيم

اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض

بشما همه از خداي كه او راست پادشاهي آسمانها و زمين

لا اله الا هو يحيي ويميت فامنوا بالله ورسوله

نيست خداي مگر او زنده كند و ميراند بگرويد بخداي و پيغامبرش

النبي الامي الذي يومن بالله وكلماته واتبعوه

از پيغامبر نانبيسنده آنكه گرويد بخداي وبقرآن وفرمان بريد او

لعلكم تهتدون ۞ ومن قوم موسى امة يهدون

تا مگر راه يابيد واز قوم موسى جماعتي اند كه راه نمايند

بالحق وبه يعدلون ۞ وقطعناهم اثنتي عشرة

بحق و بآن داد كنند وپراكنده كرديم بني اسرائيل را دوازده

اسباطا امما واوحينا الى موسى اذ استسقيه

گروه گروه و وحي فرستاديم سوي موسى آنگاه كه آب خواستند

قومه أن اضرب بعصاك الحجر فانبجست منه

قوم او بزن عصا را بیرون آمد از آن

اثنتا عشرة عينا قد علم كل اناس مشربهم

دوازده چشمه بدانست هر اسبطی را ابرداد چندانک

وظللنا عليهم الغمام وانزلنا عليهم المن

وسایه کردیم بر ایشان ابر و فرو آمد بر ایشان سمان بریان

والسلوى كلوا من طيبات ما رزقناكم وما

وترنجبین از آسمان بخورید اشما را از حلال ها طعام روزی دادیم شما را

ظلمونا ولكن كانوا انفسهم يظلمون واذ

وچون یاد کردند ولیکن بودند ایشان بر تنهاء خویش جگی ستم می کردند

قيل لهم اسكنوا هذه القرية وكلوا منها حيث

گفتند ایشان را بباشید در این دیه و بخورید از آنجا هر جا

شئتم وقولوا حطة وادخلوا الباب سجدا

خواهید و بگویید بوقت دو ازکناهان شما و اندر آیید بدین در با تواضع

نغفر لكم خطيئتكم سنزيد المحسنين فبدل

بیامرزیم کناهان شما را و زیادت احسان کنیم گوداران را

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا

باری تعالی نگرویند اندر مملکت آسمانها و زمینها

خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ

آفرید خدای از چیزها و تواند بود که هست نزدیک آمد اجل ایشان

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ

اگر نگروند پس از قرآن از بس فراق گرویدن خواهند هر کرا بیراه کند خدای نباشد او را ره نما

لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

و بگذارد ایشان را اندر گمراهی متحیر و سرگردان شده می پرسند ترا ای محمد از قیامت

أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا

کی خواهد بود قیامة بگوی که دانش او نزد خدای منست نتواند پیدا کرد

لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ

کس قیامت را وقت مگر او و دشوارست داشتن قیامت اهل آسمانها و اهل زمینها و نیاید بقیامت

إِلَّا بَغْتَةً يَسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا

مگر ناگهان می پرسند ترا یا محمد گوئی تو بگوی که دانش آمدن قیامت

عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ قُلْ لَا أَمْلِكُ

نزدیک خدای است و لیکن بیشترین مردمان ندانند بگوی نتوانم

لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ
مر خویشتن را منفعتی کردن ونه زیان کردن مگر آنچ خواهد خدای واگر بدانستمی غیب
الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوءُ
بسیار گردمی ایشانرا و از طاعت و خیرات ونه رسیدی مرا بدی ونیستم
إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ
مگر بیم کننده و مژده دهنده مر گروهی گرویدگانرا اوست آنک بیافرید شمارا
مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا
از یک تن وان آدم بود وبیافرید از تن آدم حوارا تا آرام گیرد آدم بوی چون بپوشید او
فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا
چون دیدار کرد با او بار گرفت باری سبک چون روز برگذاشت چون
أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ
بارگران گشت بترسید دعا کردند خداوند که بار خدایا اگر بدهی مارا فرزندی پارسا شویم از
الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ
شکر کنندگان چون بداد مر ایشانرا فرزندی نکو دیو را اندران شریک
فِيمَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَيُشْرِكُونَ
اندران که بدادشان [illegible] خدای تعالی ایشانرا پاکا خدایا دوری از آنچ همی انباز گویند انباز یا شریک گونه شنند

كما أخرجك ربك من بيتك بالحق وإن فريقا من

چنانکه بیرون آورد ترا خدای از خانهٔ تو براستی و گروهی از

المؤمنين لكارهون يجادلونك في الحق بعد ما

مومنان کراهیت برده داند جنگ با تو همی سازیدم گشتند اندر حق از پس آنکه

تبين كأنما يساقون إلى الموت وهم ينظرون وإذ

پیدا آمد گوئی همی برده شوند سوی مرگ و ایشان همی نگرند و یاد

يعدكم الله إحدى الطائفتين أنها لكم وتودون

وعده کرد شما را خدای یکی از دو گروه کاروان که باشد شما را و همی خواستید

أن غير ذات الشوكة تكون لكم ويريد الله أن يحق

که بی سلاح باشد و کاروانست باشد شما را و همی خواهد خدای که پدید کند

الحق بكلماته ويقطع دابر الكافرين ليحق الحق

حق را بسخنان خویش و ببرد پس کافران تا پدید کند حق را

ويبطل الباطل ولو كره المجرمون إذ تستغيثون

و ناپدید کند باطل را و اگرچه دشوار داند گنهکاران آنگه فریاد همی خواستید

ربكم فاستجاب لكم أني ممدكم بألف من الملائكة

از خدای خود مستجاب کرد دعاء شما که من مدد دهندهام شما را به هزار از فرشتگان

مردفين وما جعله الله الا بشرى ولتطمئن به قلوبكم

پی اسدند سبس یکدیگر ونه کرد شان خدای مگر مژده دهنده تا بیارامد بدان دلهاء شما

وما النصر الا من عند الله ان الله عزيز حكيم

نیست نصرت مگر از نزد خدای که خدای عزیز است وحکیم است

اذ يغشيكم النعاس امنة منه وينزل عليكم

او که ... شمارا ... از اسب ... از خدای وفرو فرستاد بر شما

من السماء ماء ليطهركم به ويذهب عنكم رجز

از آسمان آب تا پاک گرداند شمارا وببرد از شما وسوسه

الشيطن وليربط على قلوبكم ويثبت به الاقدام

یعنی دیو ... وتا بلا دارد دلهاء ایشان بدان پایهاء شما

اذ يوحى ربك الى الملئكة انى معكم فثبتوا الذين

فرشتگان را که من با شما ام ... مومنان

امنوا سالقى فى قلوب الذين كفروا الرعب فاضربوا

اندر دل ... کافران ... بزنید

فوق الاعناق واضربوا منهم كل بنان ذلك بانهم

کشتن کافران

غافلين والذين كذبوا بآياتنا ولقاء الآخرة حبطت

روی گردانیدگان آنید و آنکسها که دروغ شمردند نشانهای ما و دیدار آن جهان باطل

أعمالهم هل يجزون إلا ما كانوا يعملون واتخذ قوم

کار ایشان و بدهند ایشان را مکافات مگر آنک کردند از معصیت و بیا ساختند گروه

موسى من بعده من حليهم عجلا جسدا له خوار ألم يروا

موسی از پس از پیرایه ایشان گوساله تنش چون گوساله و بانگ چون بانگ گوساله چون ندیدند

أنه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا اتخذوه وكانوا

یعنی خوردن بند ایشان

ایشان را ایشان سخن نگوید و ننماید راه ایشان را راه راست پرستش گرفتند او را و بودند

ظالمين ولما سقط في أيديهم ورأوا أنهم قد ضلوا

ایشان ستمکاران چون پشیمان شدند [illegible] و دانستند که ایشان بیراه شدند

قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخاسرين

گفتند اگر نبخشاید بر ما خدای ما و بیامرزد ما را باشیم از زیانکاران

ولما رجع موسى إلى قومه غضبان أسفا قال بئسما

چون بازگشت موسی سوی قوم خود خشمگین اندوهگین گفت بد کاری که

خلفتموني من بعدي أعجلتم أمر ربكم وألقى الألواح

جانشینی کردید مرا [illegible] از پس من شتاب کردید فرمان آمدن خدای و بیفکند [illegible]

الألواح وأخذ برأس أخيه يجره إليه قال ابن أم إن القوم

وبگرفت موسی سر برادر خویش سوی خویش همی کشید هرون گفت ای پسر مادر من این مردمان

استضعفوني وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي

مرا ضعیف گرفتند می خواستند که بکشندم مرا نهی کردم ایشان را که مکر شادمانه

الأعداء ولا تجعلني مع القوم الظالمين قال رب

دشمنان مرا و مکن مرا با امیان این مردمان گوساله پرست موسی گفت بار خدایا

اغفر لي ولأخي وأدخلنا في رحمتك وأنت أرحم

بیامرز مرا و برادر مرا و اندر آور ما را اندر رحمت خود که تویی بخشاینده تر

الراحمين إن الذين اتخذوا العجل سينالهم غضب

همه بخشایندگان آن کسها کی پرستیدند گوساله را از از زود باشد که برسید بدیشان خشم

من ربهم وذلة في الحياة الدنيا وكذلك نجزي

از خدای تعالی و خواری اندر این جهان و هم چنین جزا دهیم

المفترين والذين عملوا السيئات ثم تابوا من بعدها

دروغ زنان را بودند و بدکار و آنکسها کی کردند کفر و ایمان پس توبه کردند از پس آن

وآمنوا إن ربك من بعدها لغفور رحيم ولما سكت

و بگرویدند که خدای تو از پس آن آمرزنده است و بخشاینده و چون بیارامید

وما الحيوة الدنيا في الاخرة الا متاع ويقول الذين

كفروا لولا انزل عليه اية من ربه قل ان الله يضل

من يشاء ويهدي اليه من اناب الذين امنوا وتطمين

قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمين القلوب

الذين امنوا وعملوا الصلحت طوبى لهم وحسن ماب

كذلك ارسلنك في امة قد خلت من قبلها امم لتتلوا

عليهم الذي اوحينا اليك وهم يكفرون بالرحمن قل هو

ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ
واگر این قرآن رانده شود بدو کوهها یا پاره شود ساختها بدو

الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَلْ لِلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ
زمین یا سخن گویند بدو مردگان بلکه خدایراست کار همه نشنوند

يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا
نومید شوند آنکسها کی بگرویدند که اگر خواهد خدای راه نماید مردمانرا همه

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ
وهمیشه آنکسها کی نگرویدند برسد بایشان بسرای کردند صاعقه

أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِنْ دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
یا فرود آید از قارعه نزدیک از فیلهاء شان تا بیاید وعده خدای که خدای

لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ
نکند خلاف وعده را وهمانا افسوس کرده شد برسولان از پیش تو

فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ
درنگ دادم آنکسها را کی نگرویدند پس بگرفتم شان چگونه بود ایشان را عذاب من

عِقَابِ ۝ أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ
عقوبت کردن آنکس کی او پاینده است بر هر تنی بسا آنچه کرد

وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَآتَيٰكُم

وماه همیشگان ومسخر کرد برای شما را شب وروز وبراداد شما را

مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا

از هر انچ خواستید ازو واگر بشمرید نعمت خدای را با شمار نتوانید شمردن انرا

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ وَإِذْ قَالَ إِبْرٰهِيمُ رَبِّ

ای مردم ستمکار ناسپاس است ویاد کن ای محمد چون گفت ابرهیم بار خدایا

اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

بکن این شهر را ایمن یعنی شهر مکه ودراورد ای دور دار از من وفرزندان از من که بپرستیم بتان را

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي

ای بار خدای کان بتان از راه ببردند بسیاری از مردمان هرکه پس روی کند مرا اوی از منست

وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ

وهرکه نافرمانی کند مرا ای تو امرزکاری بخشاینده ای خداوندا من بیاوردما بنشاندم

مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا

از فرزندان خود برود دگرا کشت نزدیک خانه تو حرام کرده ای ما خدای

لِيُقِيمُوا الصَّلٰوةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي

تا بپای کنند نماز را هم دلها از مردمان

إليهم وارزقهم من الثمرات لعلهم يشكرون

بی ایشان وروزی ده ایشانرا از بارها درخت تا مگر ایشانرا سپاس داری کنند

ربنا إنك تعلم ما نخفي وما نعلن وما يخفى على

ای خداوند ما اری تو دانی آنچ پنهان کنیم وآنچ آشکارا کنیم وپوشیده نشود بر

الله من شيء في الأرض ولا في السماء الحمد لله

خدای هیچ چیزی در زمین ونه در آسمان سپاس مر خدایرا است

الذي وهب لي على الكبر إسمعيل وإسحق إن ربي

آنک بخشید مرا بپیری اسمعیل را واسحق را ای خداوند

لسميع الدعاء رب اجعلني مقيم الصلوة ومن

شنوای دعا بندگانست ای خدای مرا بکن دایم کننده نماز واز

ذريتي ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفر لي ولوالدي

فرزندان من ای خداوند بپذیر دعاء من ای خداوند بیامرز مرا ومادر وپدر مرا

وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ولا تحسبن الله غافلا

وگرویدگانرا آن روز که بپای شود شمار ومپندار ای محمد خدایرا نادان

عما يعمل الظالمون إنما يؤخرهم ليوم تشخص فيه

از آنچ میکنند بیدادگران اوی پس کند عذاب ایشان روزی را که بیرون شود در آن روز

يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي

طعنه زنند باشد در آیتهای ما روی بگردان از ایشان تا در سخن آیند در

حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ

حدیثی جز آن اگر از یاد ببرد ترا دیو رجیم شیطان منشین از پس

الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ

از آنچه یاد آید با گروهی کافران صاحب شرع و نیست بر آن کسها که پرهیزند

کافران و منافقان ... مسلمانان ... و باشد

مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

از شمار ایشان از چیزی لیکن پند دهید تا مگر ایشان بپرهیزند

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ

و دست بدار از آن کسان که بگرفتند دین شما را بازی و لهو و بفریبید ایشان را زندگانی

الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا

این جهان و پند ده بقرآن که تباه شود تنی بدانچه کرد از گناهان نیست او را

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ

از جز خدای یاری و نه خواهنده اگر فدا دهد هر چیزی

لَا يُؤْخَذْ مِنْهَا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ

شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

سرابی از آب گرم وعذابی دردناک بدانچ بودند کافر بودند

قُلْ أَنَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ

بگوی یا محمد چرا بخوانیم از جز خدای آنچ نکند سود مارا ونه زیان کند وباز گردانند مارا

عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَانَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ

بر پاشنهاء ما پس آنک راه راست نمود مارا خدای چون آنکبی براکنده بود اورا

الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى

پس دیو رانده در روی زمین فرومانده اوراست یاراننده میخوانند اورا براه

الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَأُمِرْنَا لِنُسْلِمَ

راست بیار بر ما بگوی راه دین خدای انست راه راست وفرموده اند مارا تا گردن نهیم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ

آفریدگار همه جهانیان را باشد وبپای دارید همیشه نماز را وبترسید ازوی واو

الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

آن خدای است که بسوی او جمع کرده آیند شما را واوست آن خدای که بیافرید آسمانها را

وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ

و زمین براستی وروز قیامت گوید بباش پدید آید از قول واز گفتار وی

بِهِ مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلّٰهِ أَنْدَادًا

از میوها باشد روزی مر شما را است پس مگویید مر خدا را همتایان

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا

و شما همی دانید که خدا را همتا نیست و اگر بوید شما در گمانی از آنچ فرو فرستادیم

عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ

بر بنده ما بیارید سورتی از مانند او بخوانید گواهان

مِنْ دُونِ اللّٰهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ

از جز خدای اگر هستید شما راست گویان اگر نتوانید

تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ

نتوانید بپرهیزید از دوزخ آنک هیزم آن یعنی مردمان

أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

ساخته شده است مر ناگرویدگان را آنکسانرا که بگرویدند

الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

که مر ایشان راست بوستانها همی رود از زیر آن

كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَٰذَا الَّذِي رُزِقْنَا

از آن میوه روزی

مِن قَبلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَٰبِهًا وَلَهُم فِيهَا أَزوَٰجٌ

از پیش ازین و بیارند بدیشان مانند یکدیگر و مر ایشان راست اندر آن بهشت زنانی

مُطَهَّرَةٌ وَهُم فِيهَا خَٰلِدُونَ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَستَحيِۦٓ

پاکیزه و ایشان اندر آنجا جاودانه حقا که خدای باز ندارد شرم

أَن يَضرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوقَهَا فَأَمَّا ٱلَّذِينَ

که زند مثل براغی که از پشه بود و یا بزرگتر از آن اما آنکسهای که

ءَامَنُوا فَيَعلَمُونَ أَنَّهُ ٱلحَقُّ مِن رَّبِّهِم وَأَمَّا ٱلَّذِينَ

گرویده اند همی دانند که این مثل براستی از خدای ایشانست و اما آنکسان

كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ ٱللَّهُ بِهَٰذَا مَثَلًا

که کافر شدند گویند چه چیز خواست خدای بدین مثل

يُضِلُّ بِهِۦ كَثِيرًا وَيَهدِي بِهِۦ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِۦٓ

گمراه باشند بدان مثل بسیاری از جهودان و راه راست یافته باشند بدان بسیاری و نگردند گمراه بدو

إِلَّا ٱلفَٰسِقِينَ ٱلَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهدَ ٱللَّهِ مِنۢ

مگر بدکاران را باشد عذاب الیم آنکسان که بشکنند پیمان خدای از

بَعدِ مِيثَٰقِهِۦ وَيَقطَعُونَ مَآ أَمَرَ ٱللَّهُ بِهِۦٓ أَن يُوصَلَ

پس استواری و ببرند آنچ فرموده است خدای که بپیوندند

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ هُوَ

الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ

إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ

شَيْءٍ عَلِيمٌ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ

فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا

وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ

ك قال إني أعلم ما لا تعلمون ۝ وعلم آدم

الأسماء كلها ثم عرضهم على الملئكة فقال

أنبئوني بأسماء هؤلاء إن كنتم صدقين ۝ قالوا

سبحانك لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت

العليم الحكيم ۝ قال يا آدم أنبئهم بأسمائهم

فلما أنبأهم بأسمائهم قال ألم أقل لكم

إني أعلم غيب السموات والأرض وأعلم

ما تبدون وما كنتم تكتمون ۝ وإذ قلنا

لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوٓا اِلّآ اِبْلِيسَ

مر فریشتگانرا سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند همه فریشتگان مگر ابلیس

اَبٰى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِينَ وَقُلْـ

او گردن بپیچید و تکبر کرد و بود از کافران ای از کافران گشت وگفتیم ما

يٰٓاٰدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَـ

ای آدم آرام گیر تو و جفت تو حوا در بهشت بخورید از آن

رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ

فراخ است هر کجا خواهید شما فرا مشوید میوه این درخت است

فَتَكُونَا مِنَ الظّٰلِمِينَ فَاَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰـ

اگر بخورید باشید از ستمکاران بلغزانید ایشانرا

عَنْهَا فَاَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا

از آن بیرون آورد ایشانرا از آنچ در آن بودند ما گفتیم

اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِى الْاَرْضِ

بیرون شوید بعضی دیگر را دشمن باشید ایشانرا در زمین

مُسْتَقَرٌّ وَمَتٰعٌ اِلٰى حِينٍ فَتَلَقّٰٓى اٰدَمُ مِنْ رَ

بود و جای است برخوردار تا روز مرگ

كلمات فتاب عليه انه هو التواب الرحيم

قلنا اهبطوا منها جميعا فاما ياتينكم مني

هدى فمن تبع هداى فلا خوف عليهم ولا هم

يحزنون والذين كفروا وكذبوا باياتنا

اوليك اصحب النار هم فيها خالدون يا بني

اسرايل اذكروا نعمتي التي انعمت عليكم

واوفوا بعهدي اوف بعهدكم واياي فارهبون

وامنوا بما انزلت مصدقا لما معكم ولا تكونوا

أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَٰتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّٰيَ

نخستین کافر شوند است ... و مفروشید قرآن را بیهای اندک و از من

فَاتَّقُونِ ۝ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَٰطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ

بترسید ... و مپوشید حق را بباطل و میامیزید ... و مپوشید حق را

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَوٰةَ وَآتُوا الزَّكَوٰةَ

و شما می دانید ... و بگزارید نماز را و زکاة بدهید

وَارْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِينَ ۝ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ

و نماز کنید ... با نماز کنندگان ... می فرمایید مردمان را بنیکی

وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَٰبَ أَفَلَا

و فراموش می کنید خویشتن را و شما می خوانید صفت محمد او شما را

تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ وَإِنَّهَا

... شما را ... یاری خواهید ... بروزه و نماز و نماز

لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَٰشِعِينَ ۝ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ

دشوار و گران است ... مگر بر مطیعان ... ایشان آنانند که بیقین می دانند ایشان را

مُلَٰقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ۝ يَٰبَنِي إِسْرَٰئِيلَ

... و ایشان را ... پیش خدای باز باشد ... ای فرزندان ...

اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى

ياد كنيد از نعمتها نعمتم مرا برشما است ومن فضل كردم برشما بر

الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا

جهانيان عالم وبترسيد از روزي هيچ سود ندارد نفسي از نفسي از نفسي چيزي

وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ

نپذيرند ازان شفاعت كس ونستانند ازان عدل بدل وايشان نصرت

يُنْصَرُونَ ۝ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ

نكنند ازان عذاب وچون برهانيدم شمارا از گروه فرعون چون شمارا عذاب گردند

سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ

بترين عذابي بكشتندي پسران شمارا وزنان شمارا خدمت فرمودندي

وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ

ودران بلايي بزرگ بود از خداي شما تعالى وتقدس انگاه جو بشكافتيم ما شمارا

الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ

دريارا برهانيدم شمارا وغرقه كردانيدم قوم فرعون وشما

تَنْظُرُونَ ۝ وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَى أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ

مي نگريستيد انگاه كي موسي را وعده كرديم چهل شب پس

الحق وله الملك يوم ينفخ

راست است و مراوراست پادشاهی از روز دمند

والشهادة وهو الحكيم

وگواه و پیدا و اوست حکیم اندر فرمانها

لابيه آزر اتتخذ اصناما الهة انى ارى

مر پدر خود را آزر را بی بگیری بتان را است خدایی بی بینم ترا

ضلال مبين وكذلك نرى ابرهيم ملك

گمراهی پیدا را اینسا را با شد همچنین بی نمودیم ابرهیم را

والارض وليكون من الموقنين فلما

و زمین تا بود از بی گمانان باشد

راى كوكبا قال هذا ربى فلما

بدید ستاره گفت اینست آفریدگار

الافلين فلما رای القمر

فرو شوندگان را است جون بدید

قال لئن لم يهدنى

گفت اگر ننماید مرا و نگارد بسوی راه

ى هذا ربى هذا اكبر فلما
اینست خدای من این بزرگترست چون

مما تشركون انى وجهت
از آنچه شما انباز می گیرید من روی آوردم

فطر السموات والارض حنيفا وما انا
بیافرید آسمانها و زمین مسلمان پاکیزه و نه ام من

وحاجه قومه قال اتحاجونى فى الله
خصومت کرد با او گروه او گفت چرا خصومت می کنید در خدای

اف ما تشركون به الا ان يشاء ربى
از آنکه شما انباز می گیرید بدو مگر که خواهد خدای من

لما افلا تتذكرون وكيف
ش آیا شما پند نگیرید و چگونه باشد

انكم اشركتم بالله
شما انباز کردید بخدای

يقين احق بالامن